

مصاحبه ژورنال بنیاد پژوهش های دوپسبورگی (DISS) * با پرفسور محسن مسرت، کارشناس خاورمیانه و خاور نزدیک

شماره 2006/15 - بفارسی از حمید بهشتی

(DISS) – آیا به نظر شما تقابل میان ایالات متحده آمریکا و دولت ایران اوج گرفته و حتا احتمال برخورد نظامی در پیش است؟

مسرت – نمی توان گفت که فزونی اوجگیری و احتمال حمله نظامی آمریکا به ایران وجود ندارد. جرج دبلیو بوش و اطرافیان نئو کنسرواتیو آغشته به نفرت او نمی توانند فکر اینرا نیز از سر خویش بیرون کنند، که جنگ دیگری را در خاورمیانه به راه اندازند. در نظر آنها ایران بزرگترین سد راه دست اندازی آمریکاست بر خاورمیانه و منابع انرژی آن و مهمترین مانع تثبیت حاکمیت متحد اصلی آنها در خاورمیانه و خاور نزدیک، یعنی اسرائیل می باشد. متأسفانه اتحادیه اروپا و دولت آلمان نیز در این زمینه نقش ناموجهی را ایفا می کنند. دولت آلمان بجای بذل توجه به اینکه اکثریت ملت آمریکا دیگر حاضر به تحمل جنایات بیشتری از جانب این کشور نبوده و با آغاز جنگ با ایران مخالف اند، به یگانگی آتلانتیک چسبیده و بدین ترتیب اختیار جنگ افروزی را در دستان جرج دبلیو بوش نهاده است. دولت بوش نیز در مقابل آن به اتحادیه اروپا ظاهراً حق انجام مذاکره بی فرجام را داده تا که بوش آنرا بهانه اخلاقی و وسیله ماجراجویی های بعدی خویش سازد و از آن سوء استفاده کند. ایالات متحده آمریکا راهکاری را دنبال می کند که دیگر برای همگان رو شده است: آمریکا از فعالیت های دیپلماتیک اروپا حمایت می کند و در مقابل از اتحادیه اروپا انتظار دارد که در شورای امنیت از مراحل تشدید درگیری و از روالی که تا کنون آمریکا دنبال می کرده، حمایت نماید، به همان گونه ای که آغاز جنگهای آمریکا در دهسال گذشته بوده است. اتحادیه اروپا باید از این بن بست خارج شود. زیرا در غیر اینصورت مسئولیت کامل جنایات بعدی را به عهده خواهد داشت. جنایاتی که به احتمال قوی بوش در فرصت باقیمانده از دوران ریاست جمهوری بوش حاضر به ارتکاب آنها می باشد، تا که وظیفه الهی خویش آنطور که وی مدعاست، به انجام رساند. اینجاست که من، همانطور که دانشمند آمریکایی علوم سیاسی، نورمن بیرن باوم Norman Birnbaum نیز مد نظر دارد، فریاد می زنم "اروپائی ها بیدار شوید".

- شما سخنانی را که ریاست جمهور ایران، احمدی نژاد در قبال اسرائیل ایراد نموده است، چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا تهدیدات او برای اسرائیل خطری جدی به حساب می آید؟

- احمدی نژاد اولین سیاستمدار خاورمیانه و خاور نزدیک نیست که اینگونه تهدیدات پرطمطراق را به زبان میآورد. این قبیل تهدیدات که جمال عبد الناصر نیز به زبان آورده بود، جز حرف خالی نیستند. نه مصر آنروز امکان اینرا داشته است که اسرائیل را از بین ببرد و نه ایران امروز قاد به انجام آن می باشد. اما با اینحال این تهدیدات را باید جدی گرفت. زیرا که اینها عکس العمل عوام پسند در مقابل سیاست اشغالگرانه اسرائیل و تسلیحات هسته ای آن می باشند. به همین دلیل نیر اتخاذ سیاست دستیابی متقابل به تسلیحات اتمی هم در ایران و هم در جهان عرب مقبولیت دارد. و این روند فقط در صورتی قابل توقف است که غرب موفق به اتخاذ دستاورد فرهنگی جدیدی گشته و دریابد که امنیت، حق اختصاصی غرب و اسرائیل نیست و ایران و جهان عرب

نیز حق برخورداری از این نعمت همگانی را دارند. نتیجه ای که من از این امر می گیرم اینست که ایده امنیت مشترک برای خاورمیانه و خاور نزدیک اثر عملی بر سیاست جهانی داشته و باید در صدر برنامه روز قرار گیرد و تحقق آن نباید به آینده های دور واگذار گردد.

- **آقای احمدی نژاد خواهان پژوهش های تازه ای در زمینه علل و میزان قتل عام یهودیان (هولوکاست) بوده، حقیقت تاریخی گزاره هائی را که در این زمینه از جانب آلمانها و اسرائیل عنوان شده اند، به زیر سؤال برده است. آیا بر طبق اطلاعات شما چنین پژوهش هائی آغاز شده اند و کدامین دانشپژوهان و مؤسساتی در اینکار سهیم اند؟**

- متأسفانه سخن گفتن در زمینه انکار قتل عام یهودیان نیز در ایران و جهان عرب به سادگی انجام میشود. این میتواند دلائل متعددی داشته باشد. اول اینکه برای انسان های آن خطه ابعاد واقعی قتل عام یهودیان روشن نیست. دوم اینکه آنها فاقد این بزرگمنشی هستند که نسبت به رنجی که بر ملتی دیگر رفته است، تحقیق کنند، ملتی که خودش امروز فلسطینی ها را پی در پی تحقیر و در نوار غزه اسیر کرده، رهبرانش را یک به یک می کشد، خانه های آنها را منهدم کرده، درختان زیتونشان را که ممر معاش آنهاست، ریشه کن ساخته و بسیاری کارهای دیگر در حق آنها روا میدارد. آرزوی شخصی من برای ایرانیان و اعراب اینست که علی رغم جنایات امروزی اسرائیل، آنها از چنان نیروی خارق العاده ای برخوردار شوند، که بتوانند تحقیق در باره قتل عام یهودیان را وظیفه خویش سازند. سوم اینکه رابطه اروپا و به ویژه آلمان با اسرائیل، هنگامیکه آنها می کوشند مسئولیت و تقصیر خود در قبال قتل عام یهودیان را به خرج مردم فلسطین به فراموشی سپارند، به شدت آنها را مظنون میسازد. این رفتار فرصت طلبانه اروپائیان موجب میشود که بسیاری از اهالی جهان اسلام بدین فکر بیافتند که اروپائیان به این خاطر در باره هولوکاست مبالغه می کنند تا دیگر در حمایت از اسرائیل هیچگونه عذاب وجدانی نداشته باشند. چهارم اینکه بسیاری از اعراب و مردم جهان اسلام بر این باوراند که مسئولیت مصائبی که بر یهودیان رفته است، از کرده آنها ساقط بوده و بر دوش اروپائیان و بویژه آلمانها قرار دارد.

- **به نظر شما آلمان در قبال کنفرانس هولوکاستی که قرار است در تهران برگزار شود، چکار باید بکند؟**

- توصیه من اینست که شمار زیادی از آلمانها و اروپائینی که در زمینه هولوکاست و یهود ستیزی کار می کنید، در این کنفرانس شرکت جسته، حاصل تحقیقات خویش را آنجا عرضه نمایند و شک هائی را که آنجا مطرح میشود، جدی گرفته و پاسخ های قانع کننده ای بدانها بدهند. البته آنها باید همچنین کوشش نمایند دلائل شک های مطروحه در باره هولوکاست را فهمیده و پس از بازگشت به اروپا در باره آنها مطالعه و در تحقیقات خویش ملحوظ دارند.

- **در ایران نیز عکس العمل های شدیدی در قبال کاریکاتورهای منتشره در روزنامه راست گرای دانمارکی ایلندز پستن بوجود آمد. به گزارش موسسه ما، برداشت قریب به تمامی مطبوعات غرب اینبود که آزادی مطبوعات و آزادی بیان در معرض خطر قرار گرفته است و این خود موجب دامن زدن به احساس خطر از جانب اسلام و اوجگیری راسیسم و نزاع تمدنهای گشت. به موازات آن گردانندگان سیاسی مطبوعات غرب از مسلمانهای که در این خطه می زیند، خواهان فزونی همسازیشان با فرهنگ غرب شدند. به نظر ما این می تواند موجب گردد که قابلیت پذیرائی مردم ما برای آغاز عملیات جنگی بر علیه ایران و سایر کشورهای اسلامی افزایش یابد. و این در واقع می تواند مخاطره آمیز باشد. زیرا که بدون پذیرش و تأیید این امر از جانب**

**مردم، عملیات جنگی بر علیه کشورهای خاور میانه غیر قابل انجام است.
پرسش من اینست که آیا شما این تحلیل را قبول دارید و چگونه میتوان با یک
چنین تحولاتی مقابله کرد؟**

- بله من با تحلیل شما به میزان زیادی موافقم و خودم هم حس می‌کنم که آمادگی پذیرش برای آغاز جنگ بر علیه ایران در آلمان بسیار بالا رفته است. به عنوان نمونه سازمان دانشجویان دانشگاه ما از آقای ماتیاژ کونتسل Mathias Kuenzel برای انجام سخنرانی در باره یهود ستیزی اسلامی و سیاست دولت آلمان در قبال خاورمیانه دعوت کرده بود. او در 23 ژوئیه امسال در سایت اینترنتی اشپیگل Spiegel-online خواهان این شده بود که غرب از اسرائیل حمایت کامل نماید تا که آن کشور قادر شود به اهداف خویش از طریق اعمال خشونت نظامی در خاورمیانه جامه عمل بپوشاند. او علاوه بر این در دفتر دوم مجله ای موسوم به "Phase 2" که در ژوئیه امسال منتشر گشت، نه تنها تغییر رژیم عراق را مثبت ارزیابی کرد، بلکه طرفدار عملیات نظامی در جهت تغییر نظام ایران نیز گشته است. من با کمال تأسف با این امر مواجه گشتم که دانشجویان جوان و کم اطلاع ما بدون اینکه مشکلی داشته باشند، نظریات سخنران را که تلویحاً می‌گفت مسلمانها روحیه فاشیستی نازیها را گرفته و لذا خطر اصلی برای جهان حاضر به حساب می‌آیند، را تعقیب کرده و مخالفتی با آن نکردند. در مقابل آن، آنها نسبت به پرسش های انتقادی من از سخنران، تفاهمی نشان ندادند. به نظر من این وضع بسیار خطرناکی است و مطبوعات دست راستی و جنگ طلبان، گویی موفق شده اند، نارضایتی نسل جوان را از جنایاتی که اسلافشان مرتکب شده اند به گردن جهان اسلام بیاندازند. شگفت انگیز اینست که آلمانها و اروپائیان، خود 6 میلیون یهودی را نابود کرده اند و اکنون مبلغین اسلام ستیز در آلمان این برداشت را الغاء می‌کنند که مسلمانها که قرنها با یهودیان در صلح و آرامش نسبی زیسته اند، مسئولیت هولوکاوست را بعهدده داشته و کار نازی ها را دنبال می‌کنند. البته باید اینرا پذیرفت که احمدی نژاد با اظهارات عوام پسندانه و تحریک آمیز خویش به این آتش دامن می‌زند. نهایت زشتی و پستی در این است که یک چنین رفتار بیمارگونه ای با توجه به جمعیت 3/2 میلیونی مسلمانان مقیم آلمان، زمینه را برای فعالیت های ضد خارجی نئونازیها تقویت می‌کند و بدین ترتیب دستجات باصطلاح چپ که به جانبداری از اسرائیل و یهودیان تظاهر می‌کنند، به نئونازیها قرابت گزیده و متأسفانه کسانی که دانسته یا ندانسته با این دستجات همراهی می‌کنند، خودشان هم نمی‌دانند که از لحاظ سیاسی در چه جناحی قرار می‌گیرند.

مصاحبه کننده: پرفسور دکتر زیگفرید یِگر Siegfried Jaeger

* انتشار در DISS-Journal ، نشریه ، Duisburger Institut fuer Sprach- und Sozialforschung , Nr. 15 (2006), Dezember 2006